امروز با مولانا

این یقین خواهی در آتش در نشین

یکخبر|یکنگاه

افزايش است درواقع أنهااز تشكيل خانواده ترسيده

هرایس است دوارت بها رسمین صوحه بر سید و در انتخاب نیز دچار تردید می شوند بنابراین باید در این زمینه فکری اساسی کرد. البته در دوره گذار از جامعه سنتی به

پ را رسی دامن گیر جامعه می شبود که به عقیده جامعه شناسان اجتناب ناپذیر اما قابل شناسایی و مدیریت است. اما موضوعات مرسوط به از دواج

جُوانان از این حیـث که خانواده بنیادی ترین رکن جامعه اسـت و این روزها کارشناســان آمار زنگ

خطر کاهش جمعیت کشور را به صدا در آوردهاند ر رز بسیار مهم و مورد توجه مسئولان قرار دارد. بااین حال به نظر نمی رسد روشهای تنبیهی یا اجباری

بتواندراهکارمناسبی برای حل این معضلات باشد، با نگاهی به تجربیات کشورهای دیگر جهان که

زود تراز مادوران گذار راطی کردهاندمی توان فهمید

روش های تشویقی در این راه می تواند موثر تر باشد.

ىدرن مسائل و آسيبُهاى اجتماعى متعده

ورنه قل در گوش پیچیده شود

يول به شرط چاقو





خودم را در فضایی قرار ندادم که در تدریس قدم بــردارم. حقیقتش به معلمهای داخــل ایران که

بردارم. حقیقتش به معلیههای داخل ایران که می تواند تدریس کنند فیطه می خورم امروز می کویدا می کویدا کی کاف داسل پیش می آمدم ایران داسل پیش می آمدم ارضای اکافی شداید اگر داسل پیش می آمدم ارضای معام در حوزه تدریس اتفاق می آغازه می معام حرت موروز سسیمی ها به کشوری مثل آمریکا چگونه تجربه ای است؟

خیلی ها دوست دارند از ایران بروند و کار کنند.

خیلی از موزیسینها دوست دارند آنجا زندگی حینی ار موروسین ها دوست دارند انجا زندنی کنند امروز در کشـوری مثل آمریکا شـرایط به گونهای است که تو را در گیـر زندگی روزمره می کند. محیط زندگی تاثیــرات زیادی روی کار مامی گذارد. در ایران مشـکلات کم نیســتنداما

سی تعاوید در پورستسته بستر کار در موسیقی ایرانی فراهم است. امروز تب مهاجرت بالاست. خیلیها تریبون ندارند و نمی توانند کار کنند اما نباید تصور کنند با آمدن

• آخرین کتابی که خواندید کدام بود؟

ریں ۔.ی «صدســال تنهایــی» مارکز با ترجمــه «بهمن فرزانــه» را به تازگی تمام کــردم و درحال حاضر

«داستانهای کوتاه مارکز» را با ترجمه «هوشنگ گلشیری» میخوانم. اخیرا نسخه انگلیسی کتاب

راه هرمان هسه را هم خواندهام. •رابطه شما با فیلم دیدن چگونه است؟

مدتها بود که فیلم نمی دیدم. ذهنم به قدری شلوغ بود که نمی توانستم حواسم را جمع و جور کنم و از اول تا آخریک فیلم را ببینم. سال هاست

ذهنم در گیر بازی ریتم است. خیلی اوقات فضای ملودیک، با الگوهای ریتمیکی که دارم به سراغم

می آید و مرا محو خودش می کند. اما اگر بخواهم به سوال شما پاسخ دهم باید بگویم اخیرا «گذشته»

صغر فرهادی را دیدم و به شدت از تماشایش ستر مر کر د . . . • به نظر میرسد زیاد فیلم ایرانی

ایران به نمایش در می آید باعث ناراحتی خاطرم می شـود. البته کاملا موافقم که باید در سـینما

مشكلات اجتماعي مطرح شود اما شخصااز ديدن

برخی مشکلات اذیت می شـوم. ناگفته نماند به فیلمهایی که در مورد حقوق زنان ساخته می شود

ساله دارم و معتقد م در ایس زمینه باید کارهای بیشتری انجام دهیم.

امیدوارم حتی کسانی که از ایسران مهاجرت می کنند ریشه را حفظ و با زندگی در بطن این

جامعه درخت فرهنگی خود را آبیاری کنند. با وجود آن که می گویند کالیفرنیا از جمله ایالتهای خوش آبوهوای آمریکا است بعد از مهاجرت به

كاليفرنيا هيچوقت با آب و هواي أن جا ارتباط

نالیفرنسا هیچوقت با آب و هسوای آنجا ارباط برقرار نکسرده. در یکی از مسافرتهایم به ایران در خیابان ظفر با یکی از آشـنایان قرار داشــتم و همانجامنتظر ایستاده بوده. آفتاب درحال غــروب کردن بود و داشــتم به آفتاب درحال غــروب کردن بود و داشــتم به

رشته كوههاى اطرافُ نُكَّاه مي كردُم. يُك لحظه به

رسته تومهای طرات مده می تریم یک تاکیه به پوست دستم نگاه کردم و دیدم نشستن آفتاب

روی پوستم مرا در حس و حال غریبی قرار داده. ترکیبی از بوی خیابان و شیرینی فروشی کنارم

مرا ۳،۲ دقیقه به حال و هــوای عجیبی برد. تازه آنجــا متوجه شــدم وقتی می گوینــد «آبوگل»

منظور شان چیست. گل من در ایران بسته شده بُشــه به أمدن فكر مي كنمَ مُــن به اينجا

علق دار م.

• حرف آخر؟

صلااز این خبرها نیست!

. بُورى مثلُ آمريكا همه چيز دُرست مي شود



## مىخواهمبركردم

طرح نوارضانامجو ا ۲۵سال از مهاجر نش به آمریکامی گذرد. از نوازندگان نام آنسناو تکنیکی موسیقی ایرانی است پژمان خدادی سال هاست با گرموموسیقی دستان بهعنوان نوازنده نتیکه همکاری می کند. او همچنین در توو کنسب تمای استاد حسین علیزاده در داخل و خارج از کشیور یکی از همان اواست حدادی میهنای این شماره طرح نواست تا درباره مهاجرت صحبت کنند. در ادامه شرح این گفت و گورا بخوانید:

•چه فکری در این مدت بیشــتر از ســ افکار،ذهن شمارا درگیر خودش کرده؟ مدتهاست در فکر ایجاد موقعیتی هستم تا بتوانم یکسال بی وقفه در کشـور خودم زندگی

صه • حدود ۲۵ سال از مهاجرت شما می گذرد. چگونه با این پدیده کنار آمدید؟ پهوره په بین پدیده عجیبی است. کاملا شما را به مهاجرت پدیده عجیبی است. کاملا شما را به لحاظ ساختار ذهنی فرو می ریزد و دوباره مجبور

میشوی ساخُتمان ذهنیات رااز نوبنا کنی. •همان موقع به ایــران آمدیــد؟ خاطره باز گشت به آبران هنوز در ذهنتان هست؟ بله. ِهیچوقت اولین روزی که بعد از ۱۱سال به ایران آمدم را فراموش نمی کنیم. از همان موقع سردرگم شدم. میخواستم برگردم اما متاسفانه شرایطم به نحوی بود که هنوز نتوانستهام این کار را انجام دهم. نمی خواهم ادا در بیاورم. من حقیقتاً وابسته فرهنگ ایرانم. بعد از ۲۵سال از مهاجرتم متی یک دوست غیر ایرانی هم ندارم. هیچوقت نتوانستم باغیرایرانی ها از تباط برقرار کنم. بخشی از زندگی من حداقل در ۱۰ سال اخیر با جبر زمان گُذُست. چرا که چارهای جز دور بـودن از ایران نداشتم. به همین خاطر آرزو دارم حداقل یک سال

به صورت آزمایشی به ایران بیایم و بتوانم به برخی ارزوهایم برسم. •بزرگترین آرزوی پژمان حدادی که باعث رر رین رردی پرسات عدادی تعامت میشود پس از سالها در فکر بازگشت به ایران باشد، چیست؟

تعداد بالای اجراها از آن غافل شدم. وقتی شوق و ذوق بچههایی که دوست دارند تنبک بنوازند را ری . . . . ر ر می بینم، به ســال هایی باز می گردم که نتوانستم رســالتم را انجام دهم. تدریس در خارج از کشور یُک کار بی فایده است. در تمام این سال ها خارج از کشور مشغول تدریس بودم اما عملا هیچ میوهای از ایس درخت حیده نشید. هیسج نوازنده حدی رُ " مُعرفی نکردم این بهخاطر دوری از ایران اس دلم می خواهد با تمام وجودم بتوانم به شهرهای مختلف بروم وبیشتر وقتم را صرف تدریس کنم.
• با این وجود خیلی از دوستداران ساز تنبک به صورت غیرمستقیم از کسانی مثل شماتأثیر گرفتهاند...

--- تی**ر عر**------موافقم اما هنوز که هنوز اسـت بهترین روش سواهم ها معور که معور شک بهترین روسی آموزش ساز را همان روش قدیمی آموزش سینه به سینه می دانم تو باید با شاگردت زندگی کنی این در ست همان کاری است که امر حوم ی بی را را بید بی رای از در بید انجام محمدرضا لطفی، در ســال های اخیــر به انجام رســاند. من حس و حــال لطفــی را کاملا در ک رستندس حس و حس مصفی را نمادر دخیلی ها به می کنم وقتی از ایران مهاجرت کرد خیلی ها به او انتقاد کردنید و گفتند او بعد از رفتنش هیچ کار مهمی انجام نداد، اما او بازگشت و با تأسیس مکتبخانه «میرز اعبدالله» کار بزرگی انجام داد. او کار بزرگی کرد، آرزو می کنم من هم چنین کاری

### • مساو حالتان وقتى از ايسران خارج ىىشويد،چگونەاست؟

ی ہے. وقتی ہے ایران برمی گیردم و بیاز نوبت رفتن ہے شـود غج دنیا روی دلج مے آید. با وجود آن که می دانم دوباره چند ماه بعد قرار است برگردم، تحمل جدایی برایم سخت است. خارج از ایران برایم خیلی خالی است. دیگر چیزی نیس

• بزرگتر سن نقدی کے متوجے خودتان مى دانيد كدام رفتار تان است؟ ایدهآل گرایسی. شاید همین عادت



ررتی ســـ در آن ســـالها جوانهایــی کــه وارد ورزش

زُمانی ُکـه زُیـر نظـر ،اُمیــر عاصفــی، یا «پرویــز دهداری» فوتبال بازی می کردم، بیش از

میخواهیم از چیزی به نیام اخیلاق در ورزش صحبت ُ کنچ. این صفت همان چیزی است ُ که در یک دوره زمانی جایگاه اجتماعی افراد را مشخص می کرد. در دورهای کــه من فوتبال بازی می کردم، امکان نداشـــت وارد یک اتفونی شــم ۲۰۰۰ ک. ف یی بر .. بر خورسی حسس صوب بری می تراهی، امکان نداشت واردیک اتوبوس شدوید و یک فرد جوان، با حضور افراد مسبن به خدود اجازه بر زبان آوردن جمالات رکیک بده، تا چه رسد به این که رر ن به در الی روی صندلی بنشیندو یک پیرمرد با پیرزن سر یا باشد احترام تا آن حد وجود داشت که اگر کسی در حضور بزر گترها کار خُطایی انجام ہے داد، خودش متوجہ مے شدو شرمندگے اش را

از اســامی مثل اتخــُنــی، اپرویز دهداری، یــا این حدمحبوب می شوندومورداحترام همه قرار می گیرند؟ همه این اسامی از معلمان اخلاق بودند. آنهازمینه رابرای ایجاد یک

فضای دوستانه بین ورزشکاران و مردم فراهم می کردند. خوبیان بازی هی خرامه بیس از فکر کردن پیشرفت در فوتبال و رسیدن به شهرت، به حضور زیر نظر آنهافکر می کردم. آنها برای من معلمان اخلاق

و زندگسی بودند. با گـــذر زمان اتفاقی افتاد که باعث ایجاد یک تغییر اساســی در حوزه ورزش شد. پدیدهای در اجتماع ما، ورزش ما و اقتصاد ما وارد شـــد و هر آنچه داشتیم را تحت تأثیر قُرارُ دادُ. به نظر شُــُما چرا یکُ بازیکــن فوتبــال بــرای مدیر باشگاهش ارزش و احترام قایل

ت بره بست که در این کاپیتان پرسپولیس است و کسالی است که در این باشــگاه فوتبال بازی می کند. او در طول این ۷سال . مدیر عامل دیده او می داند، مدیر عامل می رود اما خودش می ماند البته بازیکن مقصر وضع به وجود

. انىمەشە

ست؟ آیا بسروُزُ چنیسٰن رفُتارهایی به

میشَـدند افرادی تحصیلکرده بودنــدُ اما اُمروز گویی به عقب بر گشــتهایم. از سواد و تحصیلات در این ورزش خبری نیست. برخی کسانی که در آن روزها فوتبال بازی می کردند، از قضات دادگستری بودند.

-- --- رت.ر تابه حال به این موضوع فکر کردهاید که چرابرخ

یک ایراد ساختاری باعث به وجود آمدن چ وضعی شده است. همین مشکل در اجتماع و أقتصادما هم وجود دارد وبراي بروز ساير مشكلات زمینه سازی می کند. جریان نابسامانی که وارد تمام شئونات جامعه

تا نسوزي نيست آن عين اليقين

ن موســوی چلک، رئیس انجمن علمے

دکاران ایران در یادداشتی درباره ازدواج پیده پدیده اجتماعی نوظهور جامعه که در

سیپیده پهیونه جمستی توجههور جمست این قالب دختر و پسر بدون ازدواج رسسمی و در غیبت محسوس جاری شدن خطبه عقد دایم یا موقت زیر یک سقف با یکدیگر زندگی می کنند و

سپید دلایل متعددی دارد، بخشمی از آن شرایط اقتصادی و بخش دیگر فرار از مسئولیت است،

به نظر او آمار از دواج سیپید در ایران نگران کننده

. بر کر کری ہے۔ نیست اما مساله ای که در این میان قابل تامل است نوع فرهنگ و مذہب دینی کشور مااست که ماجرا

رانگراُن کنندُه می کند، چرا کــهُ این نوع از دواجهاُ با فرهنگ ما مغایرت دارد و بــرای خانوادهها قابل

پذیرُش نیست. مُوسوی چُلک معتقد است فرار از مسئولیت زندگی مشــترک دربین پسران رو به

مددکاران ایسران در یادداش

گوش چون نافذ بود دیده شود

«ازدواجسييد»، يديده اجتماعي نوظهور

خاطرهبازي

اختلافنظر بین افراد مربوط می شود؟ نه. مدیریت ضعیف مــاً را دچار چنیـن وضعی کرده اسـت. مدیریتی کــه نمی تواند جواب ســوالاتم را بدهد یر۔ پس مرا به جای دیگری می فرســـتند تا پیگیری کارهایـــم را دنبال کنـــم. این ســـیکل ادامه پیدا می کند. ســـُرانجامی هم برایش متصور نیست. در روزهای اولیه انقلاب، خیابانها شلوغ بود. اما همه با ۲۲ نفر به موقع سر تمرین تیم حاضر می شدیم و فعالیتهای اجتماعی خودر اپیگیری می کردیم. مروز با هر کسی صحبت می کنی از مشکلات

مالی اشمی گوید. سال های بازیگــری مــن بــا در آمــد ماهی ۱۰۰۰ تومــان همراه بــود.نه خودرو داشــتم و نه وضع اقتصادیم بسامان بود. با تمام آن مشکلات وظیفه ای که به گردنم بـود را فراموش نمی کردم

وبهانه گیری در کارم نبود. وبهانه گیری در کارم نبود. سوال اینجاست که آیا بی ثباتی موجود از خارج کشور آمده یا خودمان به آن دامن زدیم؟ فوتبالیستهای امروزی در مقایسه با ما هم مکانات بیشتری دارند و هم موقعیتهای بهتری به لحاظ اقتصادی پیش رویشان قرار دارد، اما چه چیزی باعث می شـود تا ساعت ۲ نیمه شب بیدار . مانند و به سمت دخانیات بروند؟ زمان بازیگری ما هواپیمایی در کارنبود. یعنی باشگاه امکان فراهم

کردنش, انداشت. ردنش رانداشت. تمام مسافرتهایمان با اتوبوس انجام می شد. ممکن بسود ۲ ماه بسرای رفتن به یسک سفر خارجی زمان که آیا صرف شسود خانه و زندگی سوال اینجاست که آیا ر ت بی ثباتیموجوداز خارج کشور آمده یا خودمان به آن خود را به بــزرگان محلُ که از زورخانهداران خوشــنام بودند زورُخانهداران ُخوشــنام بودندُ میسپردم و با اطمینان خاطر، دامنٌزديم؟فُوتباليس امروزیدرمقایسهباماهم امكانات بيشتري دارندوهم

به سفر می فتم. اما شما امروز جرأت دارید خودروتان را حتی اگر جلوی چشمانتان باشد قفل امحانات بیستری دارندوهم موقعیتهای بهتری بداخاظ اقتصادی پیش رویشان قرار دارد، اما چه چیزی باعث می شود تاساعت اکرجنوی ہے۔ نکنند؟البته که نه.امروز برخی از ما با خیال راحت نمی توانیم خانواده خود را رها کنیم تامثلا بيدار بمانندوبه بــراًی خرید به خیابــان بروند. تدخانیاتبروند؟زمان نیچملی فوتبال ۱۲سال دست ۱۹۰۰ می ربی مرحــوم «دهــداری» بــود. در طول این مدت حتی یک اتفاق بازیگریماهواپیماییدر کارنبود.یعنیباشگاهامکان ی. فراهم کردنشرانداشت با اُخْتَلافَ كوچك آيجاد نشد . دلیلش چه بود؟ او انســان بود، اخلاقمدار بودو پول حرف اول و

آخرش نبود امروز تيمملي اميا به ابنجئون می ود. این بازیکنان نه معروف شدهاند ب بیب و سی از می شناسد پس چگونه می توانند و نه کسی آنها را می شناسد پس چگونه می توانند چنین افتضاحی بـه بار بیاورند؟ ورزش ســر جای

ے: ــن ازجمله افــرادی بودم که ســالها پیش اتفاقات امروز فوتبال ایران را پیش بینی کردم. خانه نشینی من اهمیت ندارد، مهم این است که درست کار کردهام و نان حلال برای خانواده آوردم. مهم این است که درست کار کردهام و حق کسی را نخوردم. امروز خیلی از مدیران و مربيان فوتبال أيران أيُول به شرط چاقوا درمي آورند.

برش

یس منظرہ ہر چند که

عمولی بود چندان شادم گرداند که من چونان مرغکی

ریکی ترکههای آن خارزار

دور فراموش کردم که ماه را بالاً

مُاه از هم اکنون پشت کوه

قــرار گرفته بود و بــی گمان از

این تاخیر خشمناک بود. ولی اینک روشنای خنکی که پیش

ز برآمدن ماه میتابد روی کوه

# فراموش كردم ماهرا بالابياورم

فرانتس كافكا

چسـت و چابـک قدم برمسی داشتم و چون سرازیر میرفتم سرم را بالا و تنم را شــق و رق گرفتم و بازوهایم را پشت ســرم در هم انداختــم.از آنجا که کاُجستانها را دُوست دارم از اینگونه بیشهها گذشتم و چون خوشــم میآیــد که خموشــانه به ستارهها خیسره بنگسرم ستارهها آهسته به

در برابر شگفتی رهگذر توی هوا می کشاندشان. دور دستهارو به روی جاده ام، که احتمالا مرااز آن جدا می کرد، کوهی بس بلند برافراشـــتم که فلاتش، پوشیده از خاربن، هم مرز با آسمان بود. شاخه های کوچک بلندترین شاخسار و جنبشهایشانرابهوضوحمیدیدم.

شرد و ناگهان خسود ماه اُ رسم معمولشان در آسمان فراسوی یکی از بوته های بی قرار ر رک گرار کی این میان به نمایان شد. من در این میان به سوی دیگری خیرهشده بودم وچون اکنون جلویم ر ۱۳۰۰ نمایان شدند فقط چند ابر پشمالو دیدم که بادی که در ار تفاعشان می وزید، نم و ناگهان آن را دیدم که تقریبا در بدر تمامش فروزان است. با چشمهای تاریی ج یستادم زیرا جاده شیبدارم گویا یک راست به نرون این ماه هراسناک راه می برد.

برشی از «وصف یک پیکار» (ترجمه:اميرجلالالدين اعلم)

شاتر



شاهنشاهي كه تاريخ آنرا ساهنساهی که دریخ آن را پشتسر گذاشتیم، درهیچ دورهای علایق واقعی جامعه به درستی شکل نگرفتند.

ب درستی سام درست. گرفتاری های مااز ۳۰۰۰ سال پیش شکل گرفته است.

چیست می در مستحد جامعه پذیری مابهنحوی شکل گرفته است که علایق خود را

به خوبی نمی شناسیم



هیچ خبری برایم اهمیت ندارد. برای من موضوعاتی که به نتیجه بری س دو تیجه ای مطلوب دارد، مهم است مهم این نیست که فقط در جلسات شرکت کنیم، حرف بزنیم، مذاکره کنیــم و ــ مهمنتیجهو ثمره کاراست.سوال این است که در تمام این رویدادها ثمـره کار کجاسـت و چطور در صحـن جامعه تأثیـر می گذارد و دیده می شـود؟ اصلا ثمرهای رای مسردم دارد؟ امسروز دارم به

بیگانگی مُردم ایران با بَیشُ از دو سومجمعیتجهان فکرمی کنم ریش کجاست؟ اتفاقاتی که از مشروطه به این طرف افتاد از دوران رنسانس،غربی ها تحول واقعی را آغاز کردند اماماهنوز تحول به این معنارا تجربه نگردهایم تحول چیست؟ حرکت روبه جلوبه چه معناست؟ به این معناکه ناتوای کشور هم متحول شود، وضع جامعًــه مدنّى متحول شَــود،



از جمله آدمهایی هســتم کــه در دوران زندگی خود وقایع زیادی راشــنیده،دیده و نظاره کردهاند. به همین دلیل افکارم در زمان حال شکل نمی گیرد مشلاالان کـه داعش به وجـود آمـده از نظر من مهم نیسـت، مذاکرات ۱ ۸۰ برایـم اهمیتی ندارد. موضوعات روزمره که صداوسسیما آنهـــا را بازتا*ب* ت.اصلافرُقي نمي كُندخُبري كه می شنوم مربوط به داخل ایران باشد یا خارج! دیگر



تجربه ; ندگی در ایران و اروپا ,ا داشـــتهام، پر درطول ۲۵۰۰سال زندگی شاهنشاهی که تاریخ آن را پشتسر گذاشتیم، در هیچ دورهای علایق واقعی جامعه به درستی شکل نگرفتند. گرفتاری های ما ۳۰۰سال پیش شکل گرفته. جامعهپذیری هنحوی شکل گرفته است که علایق خود را به ا: ۳۰۰۰. خوبی نمیشناسیک تجربه به م علایق ما هــم باید تفکر وجود داش بم، تجربه به من آموخته پشت مسير رااشتباه مي رويم مُشَكل كلي جامعه مااز ۰۰, بناسسات احد

در طول ۲۵۰۰ سال زندگی به پیـروی نکـردن از اصول . پیترک درست باز می گردد؟ از دوره کانت بهاین سو تمام جوامع مت باز شدن حرکت كردهاند ظرف وحجم جاُمعه ایران با دریافتے ها مناس ۔رں۔ دارند۔ آیا کسانی که قرار است بین این ظرف ومظروف رابطه وقرار كنند، نسىت به وظيفه خُودُ أَكَاهِي دارنسد؟ تا زماني که دنیا به سمت جلو حرکت می کند و برخی از ما مسائل را

به شکلی که در بالااشاره کردم می نگریم، کمیتمان لنگ خواهد زد. می دانید چرابیشتر کشورهای جهان به کارهاو رویکردهای ما ایراد وارد می کنند؟ د کون ماهمجنس آنهانیستیم در گیر عارضه پوستی شدهایم که از درون ویران می کنسد. این بیماری به ظاهر ما کاری ندارد. با این وجود تشخیص این بيماري كارچندان مشكلي نيس



این تصاویر از استان سمنان است که بخشی از خشکسالی و بحران آب را در منطقه به نمایش می گذار د.



